

## باسم تعالی

### منبر مکتوب: بررسی شبهات فرزندآوری در زندگی حضرت زهرا سلام الله علیها

#### ایجاد انگیزه ابتدایی و تحریک احساس: با داستان حدیث کساء

پیامبر خدا وارد منزل دخترشان، حضرت زهرا(س) شدند و بعد از سلام و احوالپرسی، به پاره تشنان فرمودند: دختر عزیزم: «من در بدن خود احساس ضعف می کنم»- گویا این ضعف همراه با حالت لرزیدن هم بود- بنابراین درخواست یک روانداز برای خود کردند و به دختر دلبندهشان گفتند: «آن عبا یمنی را برایم بیاور». فاطمه به سرعت اینکار را انجام داد و عبا را بر روی دوش پدر انداخت. این فرصت بسیار مناسبی بود تا چهره نورانی پدر را از نزدیک نگاه کند؛ او چشم به صورت پدر دوخت و روی نورانی او را که مانند ماه شب چهارده در آسمان جلوه گری میکرد، ژرف نگریست. در این هنگام بود که فرزند ارشد حضرت زهرا(س) امام حسن(ع) که در سنین طفولیت بود وارد شد. مادر ورود فرزندش را اینگونه نقل می کند:

«فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بَوْلَدِي الْحَسَنِ قَدْ قَبِلَ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّهُ فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قُرَّةَ عَيْنِي وَتَمَرَةَ فُؤَادِي پس لحظاتی نگذشت که دیدم فرزندم حسن وارد شد و گفت سلام بر تو ای مادر گفتم: بر تو باد سلام ای نور دیده ام.»

حسن بوی خوشی را استشمام کرد و از مادرش از منشاء آن بو سوال کرد و مادر او را به حضور پدر بزرگش بشارت داد، حسن که گویا نوید بسیار بزرگی شنیده بود خود را به کنار جدش رساند و سلامی عرضه داشت و جواب بسیار نیکویی شنید:

«وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَكْدِي وَيَا صَاحِبَ حَوْضِي قَدْ أَذْنْتُ لَكَ وَكُفْتُ: سلام بر تو ای جد بزرگوار ای رسول خدا آیا به من اذن می دهی که وارد شوم با تو در زیر کساء؟ فرمود: بر تو باد سلام ای فرزندم و ای صاحب حوض من پس من اذنت دادم.»

این ماجرا در مورد امام حسین نیز تکرار شد و این سلامها و جوابهای زیبای بین فرزند و مادر: «وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّهُ فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قُرَّةَ عَيْنِي وَتَمَرَةَ فُؤَادِي» و نوه و پدر بزرگ: «فَقَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَكْدِي وَيَا شَافِعَ أُمَّتِي»، تکرار شد. - هر چند خیلی از این تعابیر تفسیرش بعداً برای خلق الله روشن گردید- و این برش زیبا از زندگی حضرت فاطمه(س) که به برکت حدیث کساء که از خود بی بی(س) نقل شده باعث شد تا این لحظات ناب در طول تاریخ جاودانه باشد و زمزمه دوستان اهل بیت.

#### ورود به بحث اصلی

یکی از جلوه های بسیار زیبایی که در این برش روایی و تاریخی از زندگی حضرت زهرا(س) برای هر انسان سلیم النفسی امکان جلوه دارد، نگرش بسیار زیبای حضرت فاطمه(س) و پدر بزرگوارشان(ع) نسبت به فرزندان خود می باشد. با توجه به آنکه می دانیم معصوم(ع) از روی هوا و هوس صحبت نمی کند و قول و فعلشان برای ما درس می باشد و حالت الگو بودن را دارد، بنابراین وقتی فرزند خود را «نور دیده» و «میوه قلب خود» عنوان می کند، یک حقیقت بسیار مهم را برای ما به عنوان

محبین و دوستان اهل بیت بیان می کند و آن هم این مطلب است که از مهمترین ثمرات و میوه های حیات طیبه حضرات معصوم (ع) بخصوص مادر سادات، فرزندان ایشان می باشد.

تا بحال ما از خودمان چنین سوالی کرده ایم که مهمترین ثمره زندگی ما چه می باشد؟ ما چه نگرشی نسبت به فرزندان خود داریم؟ آیا فرزند آوری و پرورش فرزندان که به آنها افتخار کنیم در اولویتهای زندگی ما هست؟ هان ای جوانی که در مجلس حضور داری! دختر و پسر دم بختی که صحبتهای مرا می شنوید! آیا با شنیدن و فکر کردن به فرزند قلبتان سرشار از شادی می شود یا اینکه تازه یاد غمهای خود می افتید؟ زوجهایی که تازه ازدواج کرده اید یا در شرف ازدواج هستید! آیا فرزند را مایه چشم روشنی و روشنایی چشم و دیده می دانید؟ یا اینکه آن را مانع لذت جویی خود در سالهای اول زندگی دانسته و به او به چشم مزاحم نگاه می کنید؟ شمایی که فرزند دارید آیا دوست دارید تجربه خود را تکرار کنید یا اینکه همین فرزندان که دارید برای هفت پشتتان بس است؟ جامعه ما چه دیدی نسبت به مساله فرزند و فرزند آوری دارد؟ مسئولین بزرگواراری که تصمیمات شما در زندگی مردم تاثیر مستقیم و غیر مستقیم دارد شما برای دادن این نشاط و فرزند آوری بدون دغدغه برای این ملت چه کرده اید؟ این سوالات را هر شخصی که می تواند در این مساله تاثیر گذار باشد باید از خود پرسد و جوابی هم به آنها بدهد.

اجازه بدهید به متن جامعه رفته و این سوالات را پرسیده و جوابهای برخی از افراد را بشنویم:

سوال مشخص ما این است: نظر شما در مورد فرزند آوری در شرایط فعلی چیست؟ آیا شما در صورت امکان، اقدام به این عمل می کنید:

جوابها را به دو قسمت کلی می توان تقسیم کرد:

۱- عده ای که اصل فرزند آوری را انکار کرده و اصلاً تمایلی برای این کار ندارند. فعلاً کاری به دلایل این افراد نداریم. هر چند پاسخ این افراد را هم خواهیم داد.

۲- عده بسیار زیاد دیگری که فرزند می خواهند ولی ممکن است آن را منوط به شرایط خاصی بدانند که بحث ما نیز در مورد دلایل این افراد و بررسی این موارد در زندگی حضرت زهرا(س) است. می خواهیم بررسی کنیم که آیا دلایل اینها با سیره و روش زندگی حضرت زهرا مورد تایید قرار می گیر یا اینکه ما باید در تفکر و راهی که در پیش گرفته ایم باید تجدید نظر کنیم.

### دلایل افراد برای تاخیر در فرزند آوری یا تعداد فرزندان کمتر

#### شرایط اقتصادی

خیلی از افراد برای فرزند آوری صحبت از شرایط اقتصادی و مشکلات موجود در کشور - به خصوص در سالیان اخیر که مساله تحریمها هم زیاد شده است- می کنند. آنها این طور عنوان می کنند که بالاخره فرزند آوری بدون هزینه نمی شود، امکاناتی مانند مسکن، هزینه های تولد، هزینه های بعد تولد، هزینه پوشک! هزینه های تحصیل، هزینه های در خواستهای کودکان، بحث ازدواج و همه اینها خودش کم نیست و کمتر آدمی در شرایط فعلی از پس این مسائل بر می آید: با خانه اجاره

ای که نمی شود فرزند زیاد داشت؛ تازه هر جا می رویم که خانه بگیریم اول سوالی که از ما میشود این است: چند تا بچه داری؟ اکثر صاحبخانه ها یا دنبال زوجهای جوان تازه ازدواج کرده میگردند و یا اینکه نهایتاً یک فرزند و خیلی دست بالا دو فرزند را قبول می کنند. با وضعیتی که خانه های شهری دارند و خیلی از افراد مجبورند در فضای کوچکی زندگی کنند بالاخره باید جایی برای نفس کشیدن هم باشد؟ تازه از دوران بچگی صرف نظر کنیم، دو روز دیگر که بچه ها بزرگ میشوند و جست و خیز می کنند به نظر شما در یک قوطی کبریت می توان فرزندان را بزرگ کرد، همه آنها که بیش از یک فرزند دارند از شیطونی و ورجه و ورجه بچه ها می نالند و عنوان می کنند که خیلی اذیت می شویم و به قول امروزیها پدرمان در می آید. و از این نوع مسائل و موارد که ریشه همه آنها به مسائل اقتصادی بر می گردد. به این معنی که اگر وضعمان خوب بود، اگر ما هم مثل بعضی از مسئولین در آمد سرشار و نجومی داشتیم، ما هم اگر خانه بزرگ و ویلایی داشتیم، ما هم اگر حساب بانکی پر و پیمانی داشتیم، ما هم اگر وضع پدر و مادرمان توپ بود و ..... حتماً اقدام به فرزند آوری می کردیم.

#### بچه به عنوان مزاحم و مانع از لذت جویی پدر و مادر

این مورد را زوجهای جوان بهتر درک می کنند. خوب بالاخره اول زندگی است و تازه زندگی رو شروع کردیم، مگر چند سال دوران جوانی ما طول میکشد، تازه هم، خیلی از جوانها در سنین نسبتاً بالا ازدواج کرده اند و فاصله چندانی با میانسالی ندارند. از اول زندگی اگر فکر بچه باشیم پس کی از همدیگر لذت ببریم. تازه بعد از سختیهای بسیار زیاد و مخارج کمر شکن مراسم عروسی، میخواهیم نفسی تازه کنیم. تو رو خدا اینقدر به ما جوانها گیر ندهید خودتان گرفتار فرزند شده اید میخواهید ما هم گرفتار شویم. تازه مگر روایت نقل نمی کنید که قلة العیال احد الیسارین (کمی اهل و عیال یکی از راحتیها و آسودگیهاست) پس بگذارید فعلاً که می توانیم از زندگی لذت ببریم و از وجود همدیگر بهترین استفاده را بکنیم، همین کار را انجام داده وقت برای بچه دار شدن هست ضمن اینکه، یکی دو تا بچه که این حرفها را ندارد و بعداً هم میشود اقدام کرد.

#### نقش گروههای مرجع یا سلبریتیهها

شما که این همه دم از فواید فرزند آوری می کنید اگر فرزند آوری این همه مفید است و بدرد بخور، پس چرا خیلی از چهره های مشهور ما در عرصه های مختلف علمی و فرهنگی و سیاسی و هنری و ورزشی فرزند زیادی ندارند. مثلاً همین هنر پیشه ها با اینکه نوعاً درآمدهای آنچنانی دارند ولی یا ازدواج نکرده اند و یا اینکه اگر ازدواج کرده و ازدواجشان منجر به طلاق نشده، یا فرزند ندارند و یا اگر هم دارند یک فرزند بیشتر ندارند. اگر فرزند چیز خیلی مهمی بود باید این افراد که به نوعی الگوهای جامعه هستند فرزندان بیشتری می داشتند.

#### مناسبت نداشتن فرزندآوری با برخی شوون اجتماعی

همه می دانیم که به برکت آزادیهای که برای زنان ایجاد شده و فرصتهای نسبتاً برابری که برای حضور زنان در عرصه های مختلف اجتماعی از عرصه اقتصاد و علم گرفته تا عرصه هنر و سیاست و ... زنان زیادی در این عرصه های فعال هستند و داشتن این مناسبات مختلف نوعاً و معمولاً باباً فرزند آوری در تضاد هستند. به عبارتی زنی که در یکی از این موارد مشغول

می باشد، بالاخره برای خود اعتباری دست و پا کرده و داشتن فرزند ممکن است لطمه ای به این موقعیت زده و شأن و منزلت اجتماعی او را دچار خدشه کند. شما نیز از چنین زنانی نباید انتظار داشته باشید مادامی که در این موقعیت می باشند خیلی برای مساله فرزند آوری اهمیت قائل شوند.

#### دلایل متفرقه

معمولاً موارد دیگری هم مطرح می شود مانند اینکه: زوجهای جوان بزرگوار تو رو خدا اگر آگاهی ندارید، اگر علم فرزند پروری ندارید یک موجود دیگر را بدبخت نکنید، مگر خودتان کم از دست تربیت نادرست پدر و مادر هایتان کشیده اید که حالا باز تصمیم گرفته اید که یک نفر دیگر را به همین روش بیچاره کنید؟ تو رو پیغمبر اگر فکر درست کردن عصای پیری هستی و می خواهید در سایه عزیزانتان آسایش داشته باشید و در هنگام پیری فرزندتان از شما دستگیری کند فکر بچه دار شدن را از کله مبارک بیرون ببرید. تازه، واقعاً کمیت چه اهمیتی دارد؟ باید به فکر کیفیت باشیم. مگه قرار است جوجه کشی راه بیندازیم؟ حالا چه کسی گفته که فرزند آوری رجحانی هم دارد بله اگر شما فرزند بیاوری و بتوانی او را خوب تربیت کنی و مشکلی هم پیش نیاید شاید بشود گفت که ثوابی هم گيرت می آید. یعنی بخاطر اینکه ما ثوابی کنیم یک نفر دیگر را بزور به این دنیا بیاوریم فکر نمی کنید این خیلی خودخواهی باشد؟

این دلایل معمولاً بیشترین مواردی است که خیلی افراد برای بحث فرزند آوری و فرار از این مسوولیت خطیر عنوان می کنند. انشاءالله با استعانت از خداوند متعال سعی می کنیم بر اساس زندگی نورانی و سراسر درس حضرت زهرا(س) به این سوالات پاسخ دهیم هر چند در برخی موارد در صورتی که پاسخهای عقلی و عرفی مناسب وجود داشته باشد که با سیره و روش اهل بیت در تضاد نباشد به آنها نیز اشاره ای خواهیم داشت.

#### پاسخها

##### پاسخ به دسته اول

۱- در جواب گروه اول که به صورت کلی با فرزند آوری مخالف بودند و تمایل و گرایش به داشتن فرزند نداشتند، می شود گفت: که این تفکر قطعاً با سیره زندگی حضرت زهرا(س) در تضاد است. چون حضرت در طول عمر کوتاه خود ۴ فرزند را به جامعه اسلامی تقدیم کردند و یک فرزند ایشان نیز در دوران قبل از وضع حمل به دلیل اتفاقاتی که افتاد به شهادت رسید. دلیل عقلی که در جواب این دسته از افراد می توان بیان داشت این است که: انسان فطرتاً تمایل به بقا خود با ادامه نسل دارد و افرادی که بچه دار نمی شود در گوشه و کنار دنیا برای فرزند دار شدن از علم روز و طب سنتی و ادعیه کمک می گیرند. حتی برخی از روان شناسان فمینیست بچه دار شدن را امتیاز زنان می دانند. افرادی هم که بچه دار نمی شوند و از باروری نا امید می شوند فرزندخوانده قبول می کنند بنابراین برای گرایش به داشتن فرزند نیاز به ادله نیست.

افرادی که بهانه های اقتصادی دارند از نظر قرآن می توان به دو دسته تقسیم کرد: الف) افرادی که واقعاً فقیرند ب) افرادی که فقیر نیستند ولی ترس فقر دارند. در قرآن ما آیاتی در مورد قتل اولاد داریم که شاید به نوعی به بحث قتل اولاد و بحث سقط جنین مربوط می باشند؛ اگر اطلاق آیات مربوطه را بپذیریم حتی می توان مدلول این آیات را به بحث پیشگیری هم سرایت داد. البته اگر این کار را هم نخواهیم بکنیم میتوانیم از تعلیلی که قرآن به این افراد نسبت داده و از دلایلی که خود خداوند برای جلوگیری از کار این (فرزند دار نشدن افراد) اقامه کرده، می توانیم برای بحث خودمان استفاده کنیم.

خداوند در سوره مبارکه انعام آیه ۱۵۱ می فرماید:

«قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿الأنعام، ۱۵۱﴾»

بگو: بیاید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده بخوانم: اینکه چیزی را شریک او قرار مدهید، و به پدر و مادر نیکی کنید، و فرزندانان را از تنگدستی نکشید، ما شما و آنان را روزی می دهیم، و به کارهای زشت چه آشکار و چه پنهانش نزدیک نشوید، و انسانی را که خدا محترم شمرده جز به حق نکشید؛ خدا این [گونه] به شما سفارش کرده تا بیندیشید.»

در این آیه صحبت خداوند با کسانی است که واقعاً در گیر فقرند زیرا بیان می کند که فرزندان را بخاطر املاق یا همان تنگدستی نکشید. گویی این افراد که به نوعی نمی توانند از پس مخارج خود بر بیایند یا اقدام به فرزند آوری نکرده و یا اینکه ممکن است دچار سقط جنین عمدی شوند. خداوند به این دسته از افراد خطاب می کند که ما شما را روزی می دهیم علاوه بر آن فرزندان شما را هم روزی می دهیم.

و در آیه ۳۱ سوره اسراء نیز می فرماید:

«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا ﴿الإسراء، ۳۱﴾»

فرزندانان را از بیم تنگدستی نکشید؛ ما به آنان و شما روزی می دهیم، یقیناً کشتن آنان گناهی بزرگ است.»

در این آیه شریفه گویی روی سخن با کسانی است که ترش فقر را دارند زیرا ظاهر آیه شریفه لفظ ترس فقر را بیان کرده است. (خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ) این افراد نگرانی از زندگی فعلی خود ندارند ولی از این می ترسند که اگر فرزندان داشتند نتوانند از پس مخارج آنها بر آیند. البته این ترس شاید به نوعی ترس عقلایی هم به حساب آید برای همین است که خداوند این افراد را مورد خطاب قرار داده و با بیان اینکه ما هم رزق آنها را می دهیم و هم رزق شما به نوعی در صدد بر طرف کردن نگرانی این افراد در مورد ارتزاق فرزندان آنها می باشد.

به نظر میرسد اولین مشکلی که خیلی از افراد در بحث رزق و روزی با آن دست به گریبان می باشند مشکل اعتقادی است. به نوعی در حوزه بینشی خود گویا فقط خدا را روزی رسان ندیده و برای خودشان نیز سهمی از رازقیت را در نظر دارند. به زبان ساده تر بر اساس اعتقاد اولیه ما انسانها اولین اصل اعتقادی ما مسلمانان، توحید می باشد. بر اساس این اعتقاد خداوند احد است. از سوی دیگر می دانیم خداوند ذاتی داری صفات می باشد. پس باید توحید صفاتی خداوند را نیز پذیرا باشیم. توحید صفاتی بر سر تک تک صفات خداوند می آید. از جمله این صفات، صفت رازقیت خداوند می باشد. شاید بهترین ترجمه توحید در زبان فارسی کلمه «فقط» باشد. یعنی وقتی می گوئیم خداوند توحید در رازقیت دارد یعنی «رازق فقط خداست.» در نتیجه هیچکس غیر خدا از خدا رازق نمی باشد. پس اگر من نیز برای خودم سهمی از رازقیت در نظر داشته باشم قطعاً دچار شرک شده ام. خداوند در قرآن در جاهای مختلف عبارت «ما رزقناکم و یا مما رزقناکم» آورده است و تمام داشته های افراد را رزق خود بحساب می آورد. در نتیجه می توان گفت که اعتقاد به روزی دهندگی مطلق خداوند باعث گرایشهای خاصی خواهد شد که رفتار ناشی از این نظام ارزشی یک فرد، همه بر این اساس خواهد شد و انسان به خود اجازه نخواهد داد در محدوده تقدیر الهی، در محدوده رازقیت دخالتی داشته باشد و اگر عقل معاش او حکمی مخالف این صادر کرد که تضادی با این اعتقاد داشته باشد آن را نخواهد پذیرفت. چنین انسانی که خداوند را در رأس همه امور می بیند و تنها به او اعتقاد دارد و جوانه توحید در درون قلبش بارور گشته به این راحتی در مورد هجمه های اعتقادی و این سخنان کمر خم نخواهد کرد. بلکه بر اساس اعتقاد صحیح و با استفاده از توکل و استفاده از امکانات خدادادی پای در مسیری خواهد گذاشت که رضایت خداوند در آن خواهد بود. این همان مسیری است که اهل بیت نیز ما را بدان راهنمایی می کنند. دقت در صفاتی مانند ربوبیت، قیومیت، خالقین، رازقیت، عدالت، مالکیت خداوند و یگانه دانستن خدا در این صفات و باور آن راهی جدید پیش روی ما باز خواهد کرد.

نکته دیگری که باید به این اشخاص بیان کرد که در مسائل اقتصادی شما باید یک محاسبه دقیق داشته باشید و حساب هزینه فایده را نیز بکنید. دقیقاً تفاوت یک تاجر موفق و دوراندیش با یک ذهن کاسب پیشه لحظه گرا در همین جاست که او افقهای دور را هم می بیند و به یک سرمایه گذاری پایدار می اندیشد و شرایط مختلف را بررسی کرده ولی ذهن منفعت گرای آنی فقط پیش پای خود را می بیند. تفاوتی که در عمل هم بین ایندو وجود دارد این است که آن از منافع آنی و کم بهره بخاطر منافع دراز مدت و کلان می گذرد و طبعاً مشکلات آن را هم تحمل می کند. ولی انسان نزدیک بین فقط به منافع فعلی هر چند کم بسنده کرده و طاقت مشکلات بعدی را ندارد. او به خیال خود در لحظه زندگی می کند و منافع فعلی را در می یابد. هر دو به منافع می اندیشند ولی یکی در کوتاه مدت و دیگری در افق کلان و دراز مدت هر چند که نیم نگاهی هم به وضعیت حال دارند. در بحث فرزند آوری دقیقاً این مطلب و این دو نوع طرز تفکر جاری است. انسانهای دور اندیش به فرزندان به دید سرمایه نگاه کرده و بزرگترین سرمایه را نیروی انسانی می پندارند. آنها نیک می دانند که هر پیشرفتی بدون ملاحظه نیروی انسانی، پیشرفتی عقیم و ناپایدار و حتی خسارت بار خواهد بود. قطعاً بزرگترین مشکل سر راه این افراد همان تربیت صحیح این نیروها خواهد بود که بعداً به عنوان نیروی کارآمد، بشود روی آنها حساب کرد و سرمایه های بدست آمده را بتوان ارتقاء بخشید و سود مناسبی را نصیب خود کرد. این افراد با تحمل این گرفتاریها فرزندان نیکو و مودب به آداب تربیت کرده و فوت و

فنهای لازم در کسب و کار و آنچه را که برای زندگی آنها لازم است به طور مستقیم و غیرمستقیم به آنها می آموزند. در این مسیر نظارت لازم را بر تمام مراحل داشته و از این سرمایه و گلهای زندگی خود مراقبت به عمل می آورند. تجربه نشان داده غالباً بعد از به ثمر نشستن این مراحل، این فرزندان خلف بسیار صالحی برای پدر و مادر خود هستند و در تأمین منویات آنها دغدغه خواهند داشت و سرمایه های آنها را به هدر نخواهند داد. با این نگاه فرزند آوری یک نوع سرمایه گذاری نسبتاً بلند مدت خواهد شد که در صورت طی صحیح مراحل، فرزندان، همانی خواهند شد که پدر و مادر چشم امیدشان به آنهاست و معمولاً این فرزندان، قدردان زحمات پدر و مادر خود خواهند بود؛ خصوصاً اگر تربیت بر اساس اصول دینی صورت گرفته باشد که این امید قریب به حقیقت خواهد بود. در زندگی اهل بیت و خصوصاً حضرت زهرا(س) چنین دیدگاهی موج میزند. آنچه که در طلیعه سخن ذکر گردید شاهد خوبی بر این مدعا می باشد. عباراتی مانند نور چشم و میوه دل آن هم از زبان معصوم(ع) که نمی توان آن را صرف بیان احساساتشان در لحظه بیان کرد، این معنا را به ذهن می آورد که ثمره و حاصل و میوه واقعی زندگی دنیوی انسان و حاصل ازدواج، فرزند صالح می باشد. در روایت نیز داریم که «فرزند صالح گلی از گلهای بهشت است.»<sup>۱</sup> این دید دقیقاً همین مبنای سرمایه نگرانه را به فرزند داشته و علاوه بر سرمایه گذاری دنیوی در مورد فرزندان که در کلام سایر ائمه مانند امام سجاد در دعای صحیفه که برای فرزندانشان می کنند به نوعی بع این حقیقت نیز اشاره دارند

«اللَّهُمَّ وَ مِنْ عَلَيَّ بِنَاءِ وُلْدِي وَ بِإِصْلَاحِهِمْ لِي وَ بِإِمْتَاعِي بِهِمْ أَيْ خِدَائِهِمْ، بِرِئَاسَةِ كُنْ وَ فِرْزَانِهِمْ رَا بِرَائِهِمْ بَاقِي الْغَارِ وَ شَائِسْتِغِيثَانِ بَخْشِ وَ مَرَا أَيْشَانِ بَهْرَه مَنَدِ گَرْدَانِ.»

در ادامه حضرت فرزند را مایه توانمندی و رفع گرفتاریهای والدین و به نوعی مایه زینت محضر پدر و مادر بیان می کنند.

«اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضْدِي وَ أقمْ بِهِمْ أودِي وَ كَثِّرْ بِهِمْ عَدَدِي وَ زَيِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِي بَارِ خَدَايَا، بازوی من به نیروی فرزندانم توانا گردان و به آنان، نابسامانیهای من به سامان آور و به ایشان، شمار یاران من فزونی ده و مجلس من به وجود ایشان بیارای»

فرزندانی که نام والدین را زنده نگه خواهند داشت و باقیات الصالحات برای آنها خواهند بود. و دیگر پدر و مادر نباید خیلی نگران دوران از کار افتادگی و کهنسالی خود باشند زیرا سرمایه عمر خود را در بهترین جا و برای بهترین عمل یعنی تربیت انسان صرف کرده و انسان واقعی تحویل اجتماع داده اند. انسانهایی که از سرچشمه محبت انسانی پدر و مادر سیراب شده و نتیجه اش سیلان این مهر و محبت در امتداد بقاء خانواده و اجتماع خواهد بود.

«وَ أَحْيِي بِهِمْ ذِكْرِي وَ اكْفِنِي بِهِمْ فِي غَيْبِي وَ اعْنِي بِهِمْ عَلَيَّ حَاجَتِي وَ اجْعَلْهُمْ لِي مُحِبِّينَ وَ نَامِ مِنْ بِيْشَانِ زَنَدَه دَارِ وَ دَرِ غِيَابِ مِنْ اَيْشَانِ رَا كَارِسَازِ مِنْ گَرْدَانِ وَ بِيْشَانِ يَارِيمِ دِهْ كِهْ بِرِ حَاجَتِ خُودِ دَسْتِ يَابِمِ. اَيِ خِدَائُونِدِ، چنان کن که فرزندان من دوستدار من باشند و بر من مهر ورزند.»

فرزندانی که اطاعت از والدین خود را مایه افتخار و قرب به درگاه الهی می دانند.

«وَعَلَىٰ حَدِيثِ مُقْبِلِينَ مُسْتَقِيمِينَ لِي مُطِيعِينَ غَيْرَ عَاصِينَ وَلَا عَاقِبِينَ وَلَا مُخَالَفِينَ وَلَا خَاطِئِينَ رَوَى دِلْشَانَ بَا مِنْ بَاشِدْ وَ دَرِ يَارِي مِنْ پَايِدَار بَاشِنْد. فَرْمَانِبَر دَارَان مِنْ بَاشِنْد نَه عَصِيَانِگَرَان وَ نَه نَافَرْمَانَان وَ نَه مُخَالَفَان وَ نَه خَطَاكَارَان.»

چنین نحوه از تربیت نیازمند یاری دهی خداوند می باشد و انسان برای این امر خطیر بعد از فراهم کردن مقدمات کار و کسب آگاهیهای لازم نیازمند استعانت و یاری طلبی واقعی از خداوند می باشد.

«وَأَعْنَىٰ عَلَىٰ تَرْبِيَّتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ وَ بَرِّهِمْ وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُكُورًا بَارِ خُدَايَا، مَرَا بَه تَرْبِيَّتِ اِيْشَان وَ تَأْدِيبِ اِيْشَان وَ نِيْكَي وَ مَهْرَبَانِي دَر حَق اِيْشَان يَارِي فَرْمَاي.»

البته اینگونه نیست که تربیت و فرزند آوری و فرزند پروری همواره قرین مشکلات و سختیها باشد و تنها ثمره اش مربوط به آخرت باشد. بلکه فرزند همانگونه که در بیان نورانی اهل بیت(ع) هم آمده گلی بهشتی است و همه می دانیم که وجود گل در هر جایی مایه نشاط و شادابی است. خانه بدون فرزند خانه ای سوت و کور است و پدر و مادر شاید انگیزه چندانی برای زندگی نداشته باشند. وجود بچه مایه صفای دل می باشد. البته همانطور که قدما هم گفته اند: «فرزند عزیز است ولی تربیت او عزیز تر است.»

یک جواب نقض هم میشود به این دسته از افراد داد و آن اینکه آیا کسانی که وضعشان به قول شما توپ است و سرمایه های آنچنانی دارند تعداد زیادی فرزند دارند و یا اینکه آنها نیز فرزندان زیادی ندارند؟ پدر و مادرهای ما در قدیم الایام که معمولاً فرزندان زیادی داشتند، آیا درآمدهای آنچنانی داشتند و یا پدر و مادر پولداری داشتند و یا اینکه امکانات رفاهی آن زمان بیشتر بود؟ جوابها مشخص است. پس مشکل تنها در این بخش خلاصه نمی شود و ریشه آن را باید در جای دیگری جستجو کرد. هر کسی باسد خودش به این سوال پاسخ دهد. نزد وجدان خود.

تا اینجا عملاً ما چندتا از شبهات را پاسخ داده ایم. پس اگر در بحث مسائل اقتصادی مشکل اعتقادی داریم آن را حل کنیم. اگر مشکل تنبلی و کمی تلاش داریم نیز همچنین بر تلاشمان بیفزاییم. زیرا خود خداوند می فرماید: «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى». از دعا توکل نیز غافل نشویم. لذتهای بودن فرزندان را لذت واقعی دانسته و همانگونه که فرزندان حضرت زهرا(س) زینت بخش محفل پدر و مادر و مایه روشنی چشم آنها بودند ما هم واقعاً این بها را به فرزندان خود بدهیم و از وجود آنها لذت ببریم. ضمن اینکه فرزندان مانع سایر لذتهای پدر و مادر نمی باشند و آنها می توانند با یک برنامه ریزی و هماهنگی با یکدیگر به سایر لذتهای حلال خود هم برسند. البته متأسفانه در برخی موارد و به خصوص در مورد زنان با وجود فرزندان دیگر آن اهمیت سابق به همسر خود و توجه به نیازهای او داده نمی شود که خود این امر ممکن است باعث بروز برخی مسائل نابهنجار در خانواده ها شود. بنابراین توصیه ما به والدین این است که با وجود فرزندان، خود و نیازهای واقعی خود را به فراموشی نسپارند؛ بلکه با تربیت صحیح جنسی فرزندان و مدیریت درست بتوانند اوضاع را کنترل کرده و از وجود یکدیگر کمال لذت را ببرند. باید یاد بگیریم که مسائل مختلف را با هم خلط نکرد بلکه آنها را مدیریت نماییم. این یکی از مشکلات اساسی خیلی از زن و شوهرهاست که بخاطر عدم مدیریت، خود را از بسیاری از لذتها محروم کرده و متأسفانه این تفکر در سایر افراد هم رسوخ

کرده و به نوعی به یک باور عمومی تبدیل شده که فرزندان مانع لذت جویی پدر و مادر می باشند. به نظر میرسد این مساله بخصوص در سالهای اول زندگی که زن و مرد نیاز بیشتری از لحاظ مسائل جنسی به هم دارند تا حدودی قابل حل باشد. هر چند فرزند داری و فرزند آوری هم اقتضائات خاص خود را دارد ولی با بیان هزینه و فایده ای که در بالا آمد و با طی صحیح مسیر تربیت فرزندان، تبعاً لذتهای بالاتری نصیب پدر و مادر خواهد شد که قابل مقایسه با لذتهای جنسی نیست. احتمالاً پدر بزرگها و مادر بزرگها حرف بنده را تصدیق کنند. زمانی که بسیاری از نیروهای جسمی انسان تحلیل می رود نگاه کردن انسان به ثمره های زندگی و به سر بردن با آنها و در کنار آنها بودن لذت سرشاری را نصیب انسان میکند.

به عبارت دیگر ما نیازمند یک بازتعریف جدی در مفهوم لذت و لذت گرایی هستیم. چون این بحث ما نیست وارد آن نمی شویم. ولی این نکته را میشود متذکر شد که خداوند عمیقاً به این نیاز ما توجه داشته؛ هم در بعد روحی و هم در بعد جسمی. حقیقتاً این همه زیبایی و تنوع در طبیعت که همه آیه خداوند می باشند جز برای لذت بردن انسان خلق شده؟ مگر خداوند بر روی زمین مخلوقی بالاتر از انسان خلق کرده است؟ پس طبیعتاً هر چه را که خلق کرده، مسخر انسان ساخته است و طبعاً توقع خالق از انسان این است که تفاوت خود با سایر موجودات را شناخته و به همه ابعاد وجودی خود توجه کرده و لذت متناسب با هر بعد وجودی را نصیب آن سازد. بی شک، ماندن انسان در بعد حیوانی و لذتهای اینچینی، به معنای معطل گذاشتن اکثر امکانات انسان است که در بعد روحی او تعبیه شده و جنبه ای ملکوتی و روحانی دارد، خواهد بود. (و نفخت فیه من روحی) هر چند که خداوند هیچگاه از انسان نخواست است که سهم خود را از لذتهای حلال فراموش کند. البته استفاده صحیح و درست امری است و حرص و ولع انسان در شهوترانی امری دیگر.

لذت انسانهایی مانند فاطمه) در چیست؟ شاید کلی ترین و بهترین جوابی را که بشود به این سوال داد این است که: هر چیزی که بهتر جلوه های انسانی را متجلی و اطاعت از خالق را در پی داشته باشد. بیخود نیست هنگامی که زهرا(س) در محراب عبادت می ایستد نورش آسمانها و زمین را پر می سازد، بند بند وجودش از خشیت خداوند می لزد و اینجاست که مهر تایید خداوند را می گیرد. «انظرو الی امتی فاطمه، ترتعد فرائصها من خشیتی) ما شاید نتوانیم عمق این لذت و حضور را درک کنیم. ولی چیزی که برای همه ما قابل درک است این است که لذتهای دیگری هم وجود دارند که می توانند اعماق وجودی انسان را متاثر ساخته و وجودش را لبریز از آن لذت نمایند. و ما هم برای این لذتها اقدام به اندازه توان خود اقدام نماییم.

در مورد عدم سازگاری فرزند آوری زن با شوون اجتماعی زنان هم حضرت زهرا(س) بهترین پاسخ را با رساترین بیان به قرون و اعصار و همه زنان اعلام کرده اند. اگر بنا به کرامت خانوادگی و قومی و قبیله ای باشد، اگر بنا به موقعیت پدر و مادر باشد، اگر بنا به اصل و نسب باشد، اگر بنا به شهرت و شناختن دیگران از انسان باشد، اگر به لحاظ علم و آگاهی باشد، اگر ملاک ما ایمان و تقوا و ورع و تمامی مکارم اخلاق باشد، اگر سنجه ما الگو بودن برای سایر زنان باشد فاطمه در همه اینها سر آمد است حتی اگر بنا به جمال باشد. چه شده است زنانی که ادعای دینداری میکنند اینجا میخواهند از سیره فاطمه(س) عدول کنند؟ چه شده است که با ادعای شأن تراشی خود شانه از زیر بار این مسئولیت خالی می کنند؟ مگر حضرت فاطمه هیچ شأن

اجتماعی نداشت. همان زنی که برای زنان نمی پسندید که در انتظار مردان باشد زمانی که احساس تکلیف کرد با رعایت همان حدودی که خداوند گذاشته بود در جامعه حاضر شد و به عهدی که مولایش داشت پایدار ماند و از همه اعتبارش در راه ولی خود هزینه کرد. مگر از فرزندی که در بطن خود داشت نگذشت؟ چه برای فاطمه با ارزش بود که آن را فدای بقای دین و ولایت حق خداوند نکرد؟ چرا کسانی که فکر میکنند پیرو فاطمه هستند باید چنین گمان بیجایی به حضرتش داشته باشند؟ شاید حتی بشود این حرف را هم زد که بسیاری از این شأن تراشی هایی که برخی زنان برای خود می کنند و بخاطر آن از زیر بار مسئولیت اصلی خود شانه خالی می کنند ره به جایی نبرند! زهرا با حضورش در جامعه نشان داد که حضور زن باید یک حضور تاثیر گذار و حمایت گر از اصل دین و دیانت و برای بقای آن باشد. حضوری هدفمند، تأثیر گذار، مانا، و مورد تایید امام زمان خود، من از همه این خانمها که برای خودشان شأنی فوق این امر قائم درخواست دارم حضور خود در اجتماع را با این ملاکها بسنجند. آیا آمده اند که امنیت روانی برای خانواده خود ایجاد کنند یا اینکه امنیت روانی بسیاری از خانواده ها را بگیرند؟ آیا آمده اند که حامی امام زمان خود باشند یا اینکه دل او را به درد آورند؟ باید تکلیف خودشان را روشن کنند و با توجهات مختلف خود را سرگرم نکنند. روی سخنان ما با زنان مومنه است و کسانی که این حرفها را قبول دارند و گرنه کسی که از اساس مخالف است با او باید به گونه دیگری صحبت کرد که در این مجال نمی گنجد.

در مورد سلبریتیها هم این نکته را عرض کنم این که ما به عده ای بها بدهیم و آنها را بالا ببریم با ملاکهای غیر منطقی و بعد بخواهیم از آنها تبعیت کنیم این کار واقعاً یک کار غیر منطقی و عقلایی است. این شاید همان جاهلیت مدرن باشد که خودمان با دست خودمان گروههای مرجعی را انتخاب کنیم که برای ما ثابت شده، بسیاری از این افراد اعتقادات اولیه درستی هم ندارند. به سبک زندگی این افراد توجه کرده اید؟ به نوع روابط اجتماعی آنها بخصوص در حیطه برخورد با جنس مقابل التفاتی داشته اید؟ نوع لباس پوشیدن، سبک تفریح و نوع مصرف آنها را بررسی نموده اید؟ از نحوه رفتار این افراد با همسران خود آگاهی دارید؟ تعدد طلاق و ازدواج و یا حتی عدم ازدواج تا سنین بالای هنرپیشه ها برایتان جای سوال نیست؟ به نظر شما آیا سبک زندگی این افراد که نوعاً هم دنبال زندگیهای لوکس و تجملاتی بخصوص با سبکهای وارداتی می باشند، چه سنخیتی با فرهنگ ایرانی اسلامی دارد؟ اصلاً چرا اینچنین افرادی صرف مشهور و معروف بودن و نه به هیچ دلیل دیگر باید الگوی ما قرار بگیرند؟ مگر ما قحط الرجال داریم؟ کسانی که این دلایل را مطرح می کنند باید یک جواب جدی برای همه این سؤالا داشته باشند؟ خوب خیلی از همین باصطلاح هنرمندان هستند که بجای فرزند، سگ و گربه را وارد زندگی خود کرده، برایشان جشن تولد می گیرند، با آنها تفریح می کنند، با آنها معاشرت کرده و اگر خدای ناکرده از دنیا برود چه پستهای غم انگیزی در اینستا گرام و سایر شبکه های اجتماعی نمی گذارند و کل جامعه را متأثر از این غم عظمی می کنند. اگر ما بپذیریم که ارزش هر انسانی را همشین او مشخص می کند شما این پاسخ را به من بدهید که ارزش این افراد چقدر است؟ واقعاً ذکر مقایسه بین این افراد و حتی شاگردان مکتب اهل بیت هم شرم آور است چه برسد که ما بخواهیم از زندگی یک معصوم(ع) مایه بگذاریم که بخواهیم حریم جبهه حق را مشخص نماییم. این هم از مصیبتهای زمانه ما و امثال ماست که با این بیانهها قصد روشنگری داریم. ولی چه کنیم که انسان برای غلتیدن در دامن شهوات نیاز به نیروی خاصی ندارد! فرار از مسئولیت مؤونه ای نمی خواهد ولو اینکه

کشور نیازمند نیروی لازم باشد! چه اینکه خطر پیری هم جامعه را تهدید کند! هر چند که بانگهای ولی فقیه زمان برای این مجاهده هم شنیده شود!

بهانه نداشت علم و آگاهی هم از آن مواردی است که بیشتر شبیه طنز است؛ خصوصاً در این دوره و با این همه امکانات ارتباطی و اطلاع رسانی.

نگاهی گذرا به زندگی حضرت زهرا(س) در یک نکته خلاصه میشود: « و جاهدو فی الله حق جهاده» حضرت با تمام وجود در این راه ایستاد و ثمره این جهاد بزرگ همان کوثری شد که خداوند خطاب به نبییش گفت: « انا اعطیناک الکوثر». فکر می کنم بیان کوثر که بیان یگانه ای در قرآن است فقط زیبنده یگانه دوران یعنی حضرت فاطمه زهراست(س) نامی که بوسیله ذریه طیبه آن حضرت امتداد قرون و اعصار را درنور دیده است و هر چه فضائل در عرصه گیتی سایه گستر است نام یکی از اولاد و ذریه ایشان در آنجا خودنمایی می کند. ه این انقلاب که هم موسس آن و هم ناخدای فعلی این کشتی از فرزندان خلف حضرتش هستند و قطعاً به این اصل و نسب خود افتخار می کنند.

### گریز روضه

حضرت زهرا(س) از وجود فرزندان خود برای مبارزات غیر مستقیم سیاسی خود نیز استفاده کردند، جایی که دست فرزندان خود را می گرفتند و به بیت الاحزان خود که در خارج از شهر برای گریه های زهرا(س) توسط علی بنا نهاده شده بود می رفتند و با بردن این بزرگ زاده ها ندای مظلومیت خود را به عالمیان اعلام میکردند؟ همه حسین را می شناختند، همان حسینی که او را بارها بر سر و دوش پیامبر(ص) دیده بودند و دیده بودند که پیامبر بر لب و دهان او بوسه میزدند، حالا این حسین همدم ناله های مادری شده است که از یک طرف داغدار مرگ پدر است و از طرفی غصه دار غصب خلافتی که حق آنها بود.....

الا لعنه الله علی القوم الظالمین